

انتقام و شب اعتراف

از صحنه اول
این ماست... بیسار رفت و هاید در آن
تلگرافهای بی دینی این یکی دو روز
از مسافرت باز گردید و روزهای آخر

بازرگانان فلسفه آشنا شوید

بازرگانان فلسفه آشنا شوید
ترجمه نموده اند و جمع آن (مثل) است-
افلاطون برای نمایانن (مثل) خود
مثالی ذکر میکنند که اینکه بنظر خوانندگان

این بیماران هنگام

این بیماران هنگام
ترجمه از صحنه اول
میرزا شامروزی چند مرتبه اجابت
میکند

نامه سرکشانه

نامه سرکشانه
ترجمه از صحنه اول
روزنامه‌های مغرب باجل اکاذیب برای
اجرای مقاصد نامشروع و ولید خود

چه عواملی در نیکبختی خانواده مؤثر است

روزنامه اسرائیل برای راهنمایی جوانان و کسانی که می-خواهند خانواده‌های تشکیل دهند، در نظر دارد ستونی را به شرح حال بدبختی و خوشبختی خانواده‌ها اختصاص دهد.

بنا بر این از کسانی که خود را در زندگی خانوادگی نیکبخت یا بدبخت می‌بینند و تیربیراتی اندوخته اند تقاضا میشود هلی که بنظرشان میرسد که در تیربیراتی سرگشته خانواده‌ای آنها تأثیر داشته است مضمناً که از یک ستون روزنامه تجاوزه کنند با خط خوانا و روی یک صفحه بنویسند و برای ما بفرستند.

جواب چهارم

علل خوشبختی و بدبختی خانواده ها

خوشبختی و بدبختی خانواده‌ها در نخستین حلقه وابسته بطرز تعلیم و تربیت افراد آن است، و چون سرانجام خوب و بد زندگی مرد در تحت تأثیر اخلاق زن واقع است تعلیم و تربیت دو چیز گان از اهم مسائل است که در خوشبختی خانواده ها تأثیر بسزایی دارد بشرط آنکه منظور مرد از تشکیل خانواده تولید زن نبوده و مبتنی بر منافع مادی نباشد.

پیشورداری از سلامت نفس و ایمان بی‌باکی و حسن اخلاق و خاله داری و آشنابودن بوظیفه و بطور کلی بهره‌مند بودن از سرمایه اخلاقی و معنوی عوامل نیک بختی خواهند بود.

شهر مومنینه زن را بوظیفه خود بینا و به انجام امور خانه داری آشنا می‌بیند شرف و سرور از دلوفی در قلب خود احساس و بحال ملکوتی مروج و غرقه سعادت را بروی خود گشاده مینگردد - زن زمانیکه شوهر خود را در مهر و محبت و علاقه و برادری خانوادگی با پدر و فاضل موانع و هوسری مشاهده می‌کند در وجود خود عشق و علاقه و سرور و ایستادگی حس و برای تکمیل سعادت خانوادگی خود مساعی خیرش را بکار خواهد بست و آرزوست که این احساسات پاک موارود سعادت و هامل خوشبختی آن خانواده خواهد شد. هیچ عاملی مؤثر تر از آن نیست که تشکیل دهندگان خانواده‌ها تعلیم و تربیت یافته بوده و شریک شدن آنان بر پایه قویم مهر و محبت مبتنی باشد و هیچ نشاط و سعادت بی‌لازم از آن نیست که زن و شوهر یکدیگر را صمیمانه دوست بدارند و قبل از ازدواج از صحت و تندرستی یکدیگر اطمینان داشته و روحیات هم را در گرویدارین با هم زانگی با یکدیگر بسنجند زیرا با رعایت این اصول هلی خوش پروبال و زبیدی سعادت و نیکبختی بر سر آن خانواده سایه افکن شده و دیگر مشکلی ناموزون مطلق و جدایی ساز نخواهد شد و از انفاق و ابتلاآت جانگرا خود نیای نخواهد کرد.

ولی اگر مرد و زن که تشکیل دهنده خانواده‌اند تعلیم و تربیت نیافته و شریک شدن آنان بنظور راه بردن انور زندگی و تکمیل سعادت یکدیگر نباشد و بر اساس مادی عقلی و مهر و محبت پایدار نشود - بدسلوکی و آشنابودن آنان بوظیفه خود و نرسوئی و بدعولی موجب عدم رضایت والدین نسبت یکدیگر شده، هامل بدبختی آن خانواده خواهد شد و در روحیات اطفال آنان نیز تأثیر خواهد کرد و هواس آنان را را گرفته مقدرات شوم و تلخی ایجاد و بدبختی خانوادگی روی آور خواهد شد.

نصیر سلیمانی

بزودی (لمایش)

بزودی

کاروان هریک

بقام اویننده با ذوق رفعت با بلور توسط بهترین هنرپیشگان مبرز بود تحت نظر رئیسوزر بااستعداد آقای کنسانی با شراک هنر پیشه مجرب آقای دیبا صدق

ش. ۱۷۱

دیبا صدق

مجلس ختم

روز سه شنبه در گذشت مرحوم پدر محکم خلیل روز شنبه ۲۶/۱۱/۲۹ میباشد. از دوستان و خویشاوندی که بخت برون آدرس کانی در روزهای اول فوت آدرس موقت بفرمایند اینجانبان نشانه در این روز بد برای می‌شود. نشانی پشت محترمت آباد خیابان موقت منزل آقای سلیمان بلور

ا. ش. ۱۷۳

اخوان صدیق زاده

برادران ایسر ائل توجه فرمایند

صمیمیهای اصلاحیه دار از ابریشم طبیعی ساخت مشهده. ماشه. ماشه. صمیمیهای خارجی بزرگ و کوچک بقیمت زیر موجود است.

مشهد ۱۷۰ ریال

شهرستانها ۱۸۰ ریال (بجگانه ۶۰، ۱۰۰، ۱۰۰ ریال)

از هر نقطه ایران مبلغ ۱۸۰ ریال ارسال کرده بوسیله پست باک تخفیف فرستاده خواهد شد.

نشانی: مشهد سرای ازبکها اسحق حسامد سقاب

ا. ش. ۱۷۴

راديو خوب از لوازم ضروری منزل است

شرايط يك راديو خوب. استحکام و دوام - برصدای و اردانی است

راديو درگوسن (Ferguson) از خواص نامبرده بالا بی نیاز است.

« مغازه ایی نادری مقابل بیمارستان شوروی نماینده

الخصاری در ایران »

ا. ش. ۱۵۵

نامه های وارده

(آیا حقیقت دارد ؟)

آقای افغان - ای مقاله‌ای تحت عنوان فوق فرستاده - که رفتار هدهای بدوران رسیده را به استناد قراردادها ایشان عقیده دارند که به اشخاص که سرو سامان و تسوولی میرسد بعضی بر خورد با دیگران خط سیر خود را تغییر داده و رو بر میگردانند. این اشخاص که بنوعی رسیده اند خود را کم کرده و همه کسی را فراموش میکنند « آیا حقیقت دارد ؟ » انتقاد ایشان در باره بعضی اشخاص صدق میکند این قبیل مردم نیکبختی که بزرگترین لژیونهای دانش و فهم و کمال انسانی است و بهترین قدرتها در تصاحب دلها است و عالی ترین مقامها در مسردم داری و خدمت به جامعه میباشد.

نامه از همدان

آقای هرت سلامت (همدان نامه ای نگاشته اند که نسبت بقیه آقای ی. ک. همدانی که درباره وضع ازدواج در همدان نوشته بودند و در شماره ۴۶ روزنامه چاپ شده بود اعتراض نموده و از جمله چنین میگویند « متوجهات نامه آقای ی. ک. از همدان خالی از حقیقت است ... بهوم خانواده‌هایی که با خانواده های اسرائیل همدان آشنایی دارند نوشته است که در دوشیزگان و بانوان اسرائیل همدان بحسن سلوک و اخلاق و نجابت معروف بوده و از آنجاییکه هوم ماداران و دختران اسرائیل همدان از پرتو هست آبیاس اسرائیل تحصیل کرده و هنرمند

جواب نامه های وارده

آقای ن. ر. اصفهان

اختیار همسر یکی از وظایف اساسی اجتهاد همسر داری است و کسی بدینگونه امروز در محیط ما بخت عدم وجود تعداد در کلیه شئون اجتماعی یک مسئله فرعی و پروردگری شده است. با وجود کمی حقوق اگر بتوانید همسری دانا و خانه دار و مهر بان اختیار کنید که بتواند پادر آمد کم شما بسازد البته هر چه زودتر اقدام با ازدواج نماید، بشرط اینکه خود شما باین بوظیفه خود نسبت بهمسر آتی خوش کاملاً آشنا باشید. یعنی وظیفه اجتهاد و اخلاقی موجب ازدواج شما باشد شهورت رانی و هوسرانی.

آقای ح. و. ح.

اختیار همسر در کشور ما بواسطه سن و آدابیکه دیت ربا و چشم جوانان را از تشهیس حقایق پسته است منظر هوشیاری و دانایی است.

اگر دختریکه شما با قرار ازدواج گذاشته اید دارای صفات پسندیده و شایستگی است و نسبت بدختری که پدر و مادرش را نظر گرفته اند برتری دارد اول باید سعی کنید بهر وسیله شده حتی بکنک

۱ - می‌توانید بوسیله نامه هم از روزنامه تقاضای اشتراک کنید و بهای اشتراک را توسط پست بیمه ارسال دارید.

۲ - در حدود امکان سعی خواهد شد که مقالات متنوع بیشتری بچاپ برسد.

۳ - اگر مقاله ای بفرستید که قابل درج باشد البته طبق تقاضای شما. امضاء آن معطوف خواهد بود.

۴ - برای تسکین احساسات و رفع عصبانیت اراده و تلقین لازم است اگر موافق نشدید بطبیعی مراجعه کنید.

پوریتم

الستر در بارگاه خشتایار شا

بقام (ابراهیم زری در لاله یونسی توسط بهترین هنرپیشگان سینمای (میزبانن الزیونسی)

ا. ش. ۱۷۰

کتاب زیر خریداری میشود

(أ) نوحه הקדוש או פנך ספרי תורה
(ب) חוק לישראל
(ג) עין משפט
(ד) כאר טים חיים הלכות שחרות
(ה) הלכות קידושין וכחבות וגיטין

از پیشوایان و برادران اسرائیل که دارای کتابهای نامبرده هستند و مایل ب فروش میباشد تقاضا میشود بایست باطلوع و آدرس خود به آدرس زیر مراجعه فرمایند

ارمیتد ۱ - کروس مدبر دبستان اسعاد و کنج دانش کروس و کتاب ۱ - اورانی

ا. ش. ۱۶۸

دیگر منتظر چه هستید

بنگاه معاملات ملکی رهنا و برادران بهترین عامل معاملات ملکی و غیر ملکی از هر اوج است. زمین و خانه و باغ در نقاط مختلف شهر و شهرستانات برای فروش و اجاره حاضر دارد زمینهای با آب جاری از تری ۲۰ الی ۵۰۰ ریال موجود است و زمین و باغ برای فروش در هر نقطه ای از شهر و شهرستان دارند و این بنگاه مراجعه فرمایند.

عشرت آباد ارسیده به بل جوی مقابل شعبه بانک ملی

ا. ش. ۱۶۷

مهمترین اخبار

داخله

بچه از صحنه اول

دو ایران در مرز شوروی مسامت بمن آورد. دولت ایران در جواب این یاد داشت کلیه جریاناتی را که برای برای دولت شوروی مضر گنماده شده بود رد نموده است و اگر خواننده گان در نظر داشته باشند دولت شوروی در مرداد ماه ۱۳۲۰ قبل از وارد نمودن قوای خوش در ایران ضمن یادداشتی فحاشانه آمیز باقیست را در و ایران نش و سایر مسائل با نفوذ ایران بدولت وقت گوشه نمود و بوسیله یک ماده از قرارداد ۱۹۲۱ لبروهای خود را وارد ایران نمود. ولی البته اوضاع و موقعیت امروز ایران و جهان باسال ۱۳۲۰ فرق میکند.

در این میان دولت شوروی موافقت نامه نظامی بین آمریکا و ایران را در ۷ اکتبر ۱۹۴۷ که با امضاء آقای هم روزیر چنک وقت و آقای ژوز آلن سفیر کبیر آمریکا رسیده است منتشر نمود. این قرارداد که در هیچ مستند مهم نمیتوان متن آنرا پابین زنده گی اجرا نمود مورد اعتراض اکثر جبهه و ملت ایران قرار گرفته است.

نان

باز هم در گیر و دار سیاست مرفسی انلی لفظی نان را برای ملت ایران سوغات آورده اند. بارها این سیاست را امتحان نمودند و دیگر آزوده را امتحان کردن با وضع سیاست امروز بصره هیتت حاکمه نخواهد بود فقط منشی متعمر از آن استفاده می‌ببرند و اکثر ملت ایران با گران شدن قیمت نان در کلیه شهرستانها وضع پریشان خود را با یستی بدتر دیده اند.

همراهی بطن عانی اوزار

جنگ و ستاد ارتش

روز دوشنبه ساعت پنج بند اظهار بنا بدو تن قبلی از مخبرین جبهه اولی و دایندگان در باشگاه اسرمان همایه ای با آقای وزیر جنگ پید آمد. اغلب مدبران جبهه اولی و مخبرین سولانی از آقای سپهبد بردان پناه در باره وضع قرارداد ملی آمریکا و ایران نمودند و در جواب آقای وزیر جنگ اظهار داشتند که فقط مساهه واحده ۱۳۲۲ منی بر استندام مستشاران آمریکا در سه ماه پیش تمدید گردیده است و وجود قرارداد نظامی بین دولت ایران و آمریکا را تکذیب نموده

اخبار فلسطین

بطوری که روزنامه اطلاعات می نویسد از یکماه پیش تا کنون هر هفته دسته های ۳۰ الی ۵۰۰ نفری از سربازان سوریه وارد فلسطین شده اند و جمعا تا کنون تعداد آنها به ۱۵ هزار نفر رسیده و در اورشلیم محبت از این بود که اعراب در نظر دارند تا یکیکه دیگر حمله عربی خود را شروع کنند و تبه ادان سران داوطلب اعراب هم در این چند روز برای بسازند بر علیه یهودیان نسبتا زیاد است تا هنگامی که لوزی قانونی فرمانده کل مجاهدین عرب وارد فلسطین شود نباید انتظار تفرش از جانب اعراب داشت

اورشلیم - دوشنبه ۲۶/۱۱/۲۹

البته آگهی قبلی را مطالعه فرموده اید

کارهای نقاشی ساختمان (الکل کاری - دور لای طبیعی - مرمر بنا - ساده - الوان کاری) خوش را به میرزا آقا دوست مراجعه فرمایید که با کمترین وسیله و ناگزیر قیمت در اسرع وقت انجام میگیرد.

آدرس

چهارراه خیابان یوسف آباد

میدان دروازه شیران

خیابان سیروس داروخانه بین المللی

کارگر متخصص برای انجام کارهای نقاشی بشهرستانها هم اهرام میشود

ا. ش. ۱۷۵

قابل توجه بازرگانان محترم

چنانچه میخواهید کالاهای خود را از هر حیت معطوف بسکاهدارید از اشخاصی که با بن بنگاه کالا فرستاده اند سؤال کنید اگر از اموال آنرا حفاظت کامل شده شما مال التجاره خود را برستید.

بوذرجهوری بنگاه جعفری سرو لک و نوکل

بنگاههای فوق دارای انبارهای شست و سر و رسیده و برای سکاهداری هر گونه مال التجاره حاضر است.

مدیر مسئول احمد قیوم زاده

شرکت سهامی چاپ

ا. ش. ۱۶۷

اسیران

پادوهای آریه بخوانند

پایه از صفحه اول

صورتیکه اگر دوست فکر کنند و به ابتدائی ترین سخن اولی خود که سخن سزوتند زندگانی آنها میباشد و در حقیقت داشته باشند این خواهند بود که از خنجر کشی و از هیچ راهی نجات برای آنها نیافته، اگر اینکه شصت و پنجاه نفر از سخن خود در اجتماع باشند. در همین گزودار است که همه تلخ پرست و می- ویدان و از روی دستگیری و علم بانیکه مثل آنها خیانت بملت نموده های مردم میباشد، دلال مظلله گشته و بهر سازی که از دست یاب و فادار آنها نواخته می شود سبقتند. این دولان برای دستکاری قیصریه را آتش میزند و برای خنجر کشی با چند هزار تومان هزاف و همدان خود را نگه دارنیزانند بهر روی میزنده از مردم برای انتخاب هفتاد نفر خنجر کش دست و پا میکنند در همین چند ماه پیش بوده، همه از آلبان بی طرفی که تلخ خود را بر تلخ اجتماع خویش ترجیح دادند، برای او کین نمودار به هزار و یک حقه و تزویر منوسل گشته از طهران بهرستانها و از شهرستانها به طهران بازم و تلگراف و اخبار اشاره بالا این زمین لرزه اجتماع بودیدان را (ولی بسیار لایق در وقت و لطف تجارت) که در دوره چهاردهم از مندی های داخله مجلس جدا شدند و از ایشان پس در یامه بنیاد کی جامعه ۱۰۰ هزار نفری بنوا و بدبخت که نیازمند بدانشان و کین نمیدهند و میرز و با مقامی میباشند که حقوق آنها را ملاحظه کنند انتخاب نمودند.

راستی آیا این آلبان پادو ها از خود و از غسل و غسل و و جسدان خود خرمبار نیستند آیا میتوانند تکرار کنند چه خیانت و چنانچه مرتکب گردیده اند علاوه بر اینکه ابروهای بیست خود را برای انتخاب کسی چون آریه که ملادور بنکی دلیا چنانچه می باشد پادو ها از روی دلخواه بزرگ صرف نموده، خویش را در انتظار جامعه و وجدان و امیل خویش سر اسکنده می بینند چرا حالا که قول خودشان و کین دوست و حسابی انتخاب نموده اند اورا نیاروند که دردی از دردهای این مردم معصوم کم شود؟

چنانچه از اشرفی و سرانگندگی اصلا اسمی از این معصوم بر زبان نیاروند شای پادو ها بداند فراوانند اشخاصیکه فرد فرد شمارا میباشند و بیوجه شمارا بیامه خویش معرفی خواهند کرد شاید که با انواع جمل و تشبیهات بار در این سبب... و این توده بود ایران تحویل کردید جامعه بودیدان ایران بشمار از زندان ناخلف با چشم خمارت مینگرد، البته روزی خواهد رسید که مردم بادیده بازترو قدم ثابت تر برای اسرار حق قانون خویش بطرف خویش یعنی رهبرانشان آتوندت شما و امثال شما مانند نس و خاشاک نور امید توشت در برابر سیل افکار عمومی که روز بروز رو بنزاید است مانع زواید شود. این زمانه با تیر به تلخ آن خواهد گذشت و یادگار ننگینی از شما بجای خواهد ماند و لسی آنچه همیشه پایدار است نموده حقیقی ملت است که خواهی نه برای انکل های اجتماع را از کوهک و بزرگ از خود طرد خواهد کرد و هالی با داشتن آهسته آهسته ای از تیر و لطم و شورش خودی مطلوب بدین سادات اجتماعی رهبر خواهد شد.

در آن موقع عناصری شهاد چون شما برکنار خواهید بود.

«صادق»

بهمناسبت

سی و چهارمین سال تاسیس روزنامه نسیم شمال روزیکشنبه، از ساعت شش بهد از ظهر در محل اجنبی روزنامه، نگاران پیش بر با و از مدیران جرابند دعوت بعمل آمده ارد.

آلبان خلیلی و عادل خلدیری نماین هالی ابراد نمودند.

مجلس از طرف آتای سامی مدیر روزنامه نسیم شمال پلهای کسری از مدیران بعمل آمد.

فاله هاییکه از دور شنیده میشود

پایه از صفحه اول

را تیره کنه کترین اثری در دل و کویچکترین اشکاسی در گوش این آلبانها لغزیده بشنید.

هیبتر اینکه در چنین موهی که از هر سو آوار و ناله و از هر طرف گروه آواره شنیده و دیده میشود که چکترین نشانی از کسانیکه در ماه قبل در موقع اتفاقات برای «توده ملت» سبک چاک میکردند و خود را «شعبه» و «خدمتگذار» و «فداکار» و «نوع دوست» جلوه میدادند مشاهده نمیشد.

کجا رفتند؟ کجا رفتند آنهایکه میخواستند بهانه طردهاری از ملت بوکالت برنهند؟ چرا در این موقع باریک، چرا در این زمان بحرانی و فشار دیده میشوند؟ آن آلبانیکه در جلسه ای برای مولیت خود اظهار داشت: «چه با من موافقت کنید چه نکنید من برای رسیدن به آزادی خود مبارزه میکنم» کجاست آن شخصیکه برای توده ملت پاره میکرد و در اصطلاح بار بیست و پانزده میلی پول چند نفری طرفدار برای خود پیدا کرد و دستمال بدست میگرفت و در حال «از مردم» اخت تسامح از دیده جاری میکرد کجا رفت آن عنصریکه برای بدست آوردن چند هزار رای خود را در دادن باغبان انداخت و هدای از برادران بیکانه و بی خبرسارا در فشار سر نیزه را تاغبان قرارداد کجا است چرا امروز بیجان نیاید؟ چرا امروز خود را دلسوز جامعه معرفی نمیکند؟ چرا اکنون که ما گرفتار محرومیت و فشار هستیم گذشته از اینکه خود را دلسوز اسرائیل فلهاد نمیکند، از تماس با فردی از اسرائیل هم هار دارد؟

آن خاطر بیهوشیکه با تشکیل اتحادیه شبالی و تقدیم فکرها برجال و بعضی مقامات و دعوت وزراء و وکلای درحالم رؤیا و تصور با اتحادیه خود میخواست و کین خود چه شد؟

آن شخصی در بین افراد اجنبی نظاریکه تلخ خود تشکیل داده بود و در پای صندوق انتخابات به تهدید مردم میپرداخت «میگیرم و میبندم و میبندم و میبندم» و بیرون میبندم» میگفت کجای رفتند آن آلبانیکه دلش تا اینجند برای جامعه اسرائیل سوخته بود که میگفت: «نایبند اسرائیل نباید داخل سیاست باشد» چرا امروز اظهار همدردی نمیکند و بهر ای دلسوزی شمار نمیدهند؟ آن مردی که بنام ملت هدای دلسوخته و خدمتگذار را برایش پادو بها کرده و بحق مظلومین و محرومین را برای او فلهاد نموده کجاست آن آلبانیکه مردم بی پناه و آواره را باطله و بیهوده و بیسوق افعال میکردند و بنام «شعبه» و «دستگاه» و «حقیقت» مردم را مسحور نمیدادند چرا امروز خود را نشان نمیدهند؟

آن آلبانیکه از راه عوام فریبی هزاران نفر از مردم بی خبر شهرستانها را بنام «دیانت» مفرقه و تفرقه و تفرقه میکردند و نامه مینوشتند که «آریه چون اسرائیل واقعی است برای نمایندگی شایسته تر است» چرا دم لرزیده اند؟ چرا امروز برای تلخ فشار و محرومیت «تلگراف» ایستادند؟ چرا حتی برای همدردی و همدردی کینه ای هم بر زبان نیاروند؟

آیا فقط نمایندگی، کسب شهرت و منافع شخصی شرط خدمت به جامعه میباشد؟ بدون و کین شدن نمیشود در اجتماع برای رفاه حال عمومی فعالیت کرد؟

چریان اوضاع اجتماعی و تحولاتیکه جبراً و تحت قوانین طبیعی بوجود میآید محک مؤثری است برای معرفی عناصر مفید و مضر جامعه. موفقیت کنونی زمان آزمایشی است برای شناختن آنهایکه خود را دلسوز جامعه و «آواره» کوی بار می معرفی نموده بودند. و همه دیدیم چه کسی برای جامعه خدمتگذار واقعی است و چه کسی در پی کسب منافع و شهرت شخصی است.

پایه از برادران ساکن شهرستانها

میادیم که در آتش کینه گرفتار هستیم، آتش کینه ای که در این سگوت ولایتی بی لیاقتی دستنگاه کی امروز ما را در دست دارد روز بروز تیز تر میشود. تنها امید شما این است جبری تهران که بگانه اجنبی است در بین بودیدان ایران که دارای شخصیت حقوقی است برای شما کاری انجام دهد چنانکه مشاهده میکنیم دسته دسته از جانب شما برای طلب کمک و چهار چوبی به جبری تهران مراجعه میکنند ولی همه مایوس بر میگردند زیرا امروز بواسطه بی- شهادتی و لایقیتی و نا توانی و بی اطلاعی بعضی از افراد آن «عنوان جبر» بصورت یک عنوان تشریفاتی و بی شایستگی و بی اثر درآمده است. بنابراین از این مرجع امیدی برای کسی حاصل نمیشود.

میادیم مانند سایر موطدان، شایسته گرفتار جنگال هفرت فقر، نساد، در بدی، بیسودی، شکنجه و محرومیت هستیم. میادیم چه بدبختی و پریشانی و آشفتنگی دستگیر شما و سایر هم میهنان و از تیرت مردم پایتخت شده است. می دانیم گذشته از فرهنگ و بهداشت که جزء ضروریترین اختیارات زندگی امروزی است و در اختیار شما نیست حتی نان هم، نای که اولین وساده ترین حق هر فرد زنده است برای شما باقی می شود و هر شب هزاران فرد با دلی پر حسرت با شکمی گرسنه سر به بالین میبندند. میسدا انیم فقر عمومی و محرومیت همگانی بجای رسیده است که در بعضی از نقاط کشور مردم بی تو اطفال خود را مانند بره دسته دسته بچرا به بیابانها میفرستند.

فلا دسته ای از خدا بی خبر و بی اراده که اغلب از روشن نام خودشانم عاجزند، بر ما سر او شده اند. از طرفی بنام خدا و دیانت میخوانند ما را کول برانند و بسکوت و نمانت و اداری کنند و از طرف دیگر اشخاص ریاکار و بی وجدان و جاه طلب را میخوانند بنام نماینده مجلس بر ما تحویل کنند.

چند نفر جاه طلب خودخواه و محافظه کاریکه مصادر امور را در دست گرفته اند، کاری برای یک جامعه بکسدهوار نری انجام میدهند و نمیتوانند انجام دهند. تنها کسانیکه بدرها و رنج های شما آگاه هستند، تنها کسانیکه خود را شریک الموموشکنجه روسی و جسمی شما میدانند عده ای از جوانان روشنفکر و تحصیل کرده هستند که با روزنامه اسرائیل برای همدردی با شما هم آهنگی باشند. چشم امید انصاری طماع و جاه طلب نداشته باشید و منتظر نباشید که چند نفر بی اراده مشکلمای شمارا حل کنند چنانکه جریان انتخابات این حقیقت را ثابت نمود.

در این موقع حساس وجود یک نماینده لایق و با شایستگی و مطلع در مجلس شورای ملی برای ما ضروریتر از هر امری است. نماینده ای که بنام شما ببارک جامعه محروم تحویل گردد کمتر اهتنامی بوضع افلاکت بار و وقت انکیز ماندارد و خود در آمریکا در آموزش لرشنکان بعضی بخشوی بسر میبرد.

ان خود ما هستیم که باید برای خویش فکری کنیم، دست و پای ما را بگیریم، امر بسزوات خود علاقه مند هستیم، امر بشرافت و حیثیت ملی خود اهمیت میدهمید، امر خواهان آینه سعادت مندیدی برای خانواده خود میباشد اولاً عموماً و متغناً اعتراضات خود را نسبت بچریان انتخابات اعلام دارید و از مجلس شورای ملی و مقامات مربوطه دیگر خواهان تجدید انتخابات شوید که بتوانیم نماینده دیگری، نماینده ای که اقلاً او جهی بحال زار و کین خود داشته باشد به مجلس برسیم.

لایاً این آجر به تلخ را برای همیشه در نظر داشته باشید و

اولین وظیفه ما روشن

اکثریت جامعه نقش مؤثری در پیش بگرد و افکار عمومی را روشن کند. همین مطلبی و استادان نیز در روشن کردن افکار و برافروختن شکلهای دانش در مغز جوانان و نوان و نوان و گنینه های ذیقیمت اجتماع بنی نسل آینده جوانانیکه فردای بشر بروشان میبخشند، وظیفه بسیار مهمی میباشد.

پدران و معصوما مادران که دامانشان پرورش نسل آینده را بسپرده دارد هر یک بنوبه خود در تربیت و روشن فکر بار آوردن اطفال و وظایف باریک و مشکلی را عهده دارند. خلاصه هر فردی که در اجتماع زندگی میکند، در اجتماعیکه هزاران نفر برای رفاه او کار میکنند و میلیونها نفر برای تهیه غذا و مسکن و لباس او عرق میریزند وظیفه دارد بنوبه خود برای بهبود وضع آن اجتماع برای کمک بسیر تکامل آن و برای ایجاد دنیای آزاد و آباد آرزویشیده و وظیفه سنگینی را عهده دار انجام دهد.

در جامعه ما که جهل سر تا سر آرا فرا گرفته و ۹۰ درصد آن از خواندن و نوشتن بکنی محرومند با این وضع چگونه می توانیم امیدوار باشیم که همه افراد بوظایف خود آشنا شده و بتوانند بدینوسیله از این میان بردارند و بکنی از انواع جهان در روزهای که خود مؤسس آن بود این شماروا همیشه تکرار میکرد:

«از جرقه ها، شعله ها بر می خیزد»

هر چه دانشها کمتر از آن باشد که بتواند دیگران را راهنمای کند، هر چه ارزش این نوشته ها و گفته ها

تلقین هر ظاهر فریب و ریاکاری را که بنام «خدا» و «دیانت» شما را مفرقید بخود راه ندهید.

در مقابل مصاب و محرومیتها پادری کنید، بکوشید. تا موقتیکه این سازمان بوسیده ای که فلا امور ما در دست دارد و از کون خود، خود اوضاع خود را اداره کنید و بوسیله روزنامه اسرائیل سعی کنید با سایر افراد محروم و بیچاره و بیپناه رابطه داشته باشید تا بیکم جوانان خدمتگذار، با جبراً مجبور با ایجاد رفاه و تیریری شود با کتار رود که هدای خدمتگذار واقعی و افراد با شهادت روزی کار آینه.

بام تمهید شوید، با سایر هم میهنان وحدت و یکپارگی ایجاد کنید، زیرا جوانان ما ایران از هر جهت نیازمند هم آهنگی و اتحاد عمومی است تا هر فردی بنوبه خود بتواند در بر انداختن عوامل نساد و موجودین بدبختی، در سایه یکپارگی مبارزین اجتماع کوشش کند، جوانان امان را تشویق نماید و کوشش کنید از لحاظ فرهنگی و شعور اجتماعی سطح سلولمات خودتان و خانواده هایتان بالا رود زیرا دنیایی که ما در آن زندگی میکنیم دنیایی دانش و فهم و کار و کوشش است.

پیام بجوانان

چنانکه بارها بوسیله این روزنامه اهمیت وجود شما و تأثیری که باید در ایجاد تحول اجتماعی داشته باشید گوشه شده است اکنون بار دیگر با شما سخن می گویم: جهان کنونی عرصه مبارزاتی است که برای ایجاد یک دنیای نو و سعادت بخشی بهترین و برترنده ترین سلاح آن دانش واقع بینی، تشخیص صحیح و فهم اجتماعی است که بایستی در سایه اتحاد عناصر مرفقی و در سایه مبارزه برای رسیدن به دنیای مقدس اجتماعی بکار رود.

تفکر، تکبر، خودخواهی، باس، سستی و لایقیتی موجب تباهی آینه اجتماع است.

در برابر عوامل فسادیکه امروز دست اندازی بر ریشه هستی و حیات اجتماعی ما نموده است باید ایجاد وحدت نمود و همه برای مقابله با آن وسرکوب نمودن آن باید دست اتحاد بهم دهیم و نیروهای مادی و معنوی خود را برای خدمت به جامعه و برای عظمت و ترقی و وطن عزیز خود ایران در یک راه بکار اندازیم.

همه ای جاه طلب بی اطلاع، برای حفظ مقام و موقعیت خود بنابرین مختلف در جلاروا عناصر امان و جوانان روشنفکر موافق ایجاد میکنند. اینان برای بهبود اوضاع تیره برادران در مانده مکاری نمیکند و پیشنهادهای مفید را از اشخاص خبر مطلق نمی بردند، هر روز بنوعی مردم را سرکرم میکنند و با قدر و بهانه های با مسرت و لذت و وظیفه وجدانی را از گردن خود ساقط میکنند. اینان مانع بوجود آمدن یک تحول ضروری از اطفال فرهنگی، اجتماعی و بهداشتی هستند.

تنها نیروی که قادر به واژگون کردن دستهای فساد و آن پروری و محافظه کاری است، نیروی جوانان است.

بگرد هم جمع آید و برای درمان درد های هزاران فرد در مانده و آوارهای که کوچکترین امیدی برای ادامه زندگی ندارند، چاره ای بیانه بشنید.

نشان دهید که در دنیای کنونی نمیتوان با بسنن پوسیده و رسوم قرون وسطایی بسزارد.

برای اداره جامعه کنونی، مرفقی ترین عوامل را باید ایجاد کرد. فقط نیروی جوانان غیور و فعالیت عناصر فداکار است که بایستی بتهای پوسیده گذشته را درهم شکنند و سازمانی قوی و مفید و وسیع برای خدمت بکشور و رهائی برادران آواره خود از فقر و بیسودی و فساد و جهالت و محرومیت بوجود آورند.

جوانان در برابر جامعه کنونی تسل آینه دارای مسئولیت اخلاقی و وجدانی هستند و فرصت را از دست ندهید.

۱۳۵۵ هـ

دانش در راه مانع نموده ما تمام همه ولی متاسفانه در سلطنت ما که گذشته از ساکنین ذوات گسه اکثریت جامعه را تشکیل میدهند و بکنی از ساده ترین پایه های علمی بنی خواندن و نوشتن محرومند، هنوز علم و دانش از جنبه انحصاری خود خارج نشده و در تمام شهرهای بزرگ اطفال این آب و خاک در کوچ و بازار و پلان یا در سلول های وحشت آور با باوان ناتوان خود برای کسب معاش جان میکنند.

برنامه تبلیغات اجباری یا تمام رنگ و روغن هنوز از دایره حرف علمی بیرون نگذاشته و لایق توان بگذارد زیرا بودجه های سنگین دولتی صرف نشان دادن سر نیزه زاندارم به مردم ستکشی باید بشود و تیب به پزشک و دارو و معلم شد، نشاندند.

چون منافع گردانندگان اجتماع ما را سر نیزه هامی توانند حفظ کنند نه معلم و پزشک؟ ضرب النمل مشهور کسه میگوید (کنند) از کسی که تیرون است کین نتوان کرد) در گذار ما صدق میکند از بس در دهان اروا نده و همه بهم مربوط و معلول بکنید بکنید چون ما صحبت از بکنی میکنیم دیگری با جبهه مغوف خود از طرف دیگر سر در میآورد، مقصود ما تویبر افکار بود و ناچار بر لیره زاندارم نیز اشاره نمودیم، علت آن واضح و آشکار است چون دستگاهی که مسئولیت مستقیم بالا بردن سطح لکتر جامعه را بدست گرفته متاسفانه بیشتر هم خود را صرف تیر کردن سر نیزه ها و ایجاد وحشت میکنند که تعلیم و تربیت جامعه عقب مانده.

فرهنگ ایران بطور کلی از بدستان گرفته ناندانگه و معصوما مدارس ملی بود و بدات برنامه اوق العاده نامی را اجراء نمینماید که از فرهنگ ۳۰ سال پیش اروا بخاشده آنچه که بحاصل یاد میدهند یک نوع درس اوق العاده خشک و خسته کننده و تقریباً زاندارم، وقتی شاگردی ترک تحصیل میکند بیخالی اینکه معلومات او در جامعه ارزش دارد بادل برامیدی وارد عمر که بر پیچ و خم زندگی میشود بدینسان پس از اتمام تحصیل تلخی که دستگیر او میشود پیاپی لنت به x ها و y ها و فرمول های خشک شیمی میبندند و پسر تالف شده خود تالف میخور و مشغول دعا گوئی... ذوات معترم مسبین آن میباشد.

برنامه مدارس باید شامل آموزش و پرورش، هنر و باقی باشد تنها بسیار خشک و ناقص است جوانی را که برای برد با مشکلات زندگی تربیت میکنیم قبل از هر چیز باید باصلاح های پشت صکار استقامت، قوت قلب، اعتماد بنفسی، تدبیر زندگی و درستکاری مجهز باشد ولی جوانان ما که از پشت میز مدرسه وارد عمر که زندگی میشود مثل کسیکه فلان از روشنی شدیدی وارد تیریکه لفظی کرده، مدتی کسور مال کورمال حیران میماند تا خوشتر از تخمب داده و سنکر خود را دریابد.

دیده های ما برای حرف زدن بومیه خود معطل هستند، در مقابل تنظیم یک در خواست و پر خوردن یک قضیه کوچک حقوقی یا پرورشیدن با یک فرد اجتماعی دست و پا نیاروند که کرده دچار لذت زبان شده و تا بنا گوش سرخ میشوند... چرا...

زیرا پرورش آنها ناقص بوده و این مشکلات را آموزش x و y با فرمولهای جامد مضبوطات و ارحطظ نمودن اشعار درویشی.

بوسف کشته باز آید بکنان هم معور... کلبه احزان شود از روزی کلسان هم معور... حل نمیکند.

بلکه تربیت عمومی قوی آساده جوانان معصوما گردان مدارس ابتدایی رشد و تقویت قوای بدنی آنها از راه ورزش صحیح عا و آشنایی با قوانین جاریه مملکتی (مسی از فارغ التحصیل های مسا شاید اسمی از قانون اساسی ننشیده باشند)

زندگی از طریق تشکیل و نشر کتب در سخن وانی های عمومی در بیست مسائل مختلف امور اجتماعی و یاد دادن اداره زندگی از طریق علمی و خلاصه مردم عمل بار آوردن مس... شده کتاب متحرک این مشکلات و هزاران بی نظمی های دیگر مانع ترقی سطح فرهنگ ما و روشن شدن افکار معوسر است چنانچه در بالا و مقاله قبلی ذکر شد وظیفه هر فردی در کشور اجتماع است که در بکنش سدما و ساختن بنای دانش هنگامی هست گمارده و مرداد بر هم مقدس مبارزه را درست گرفته بکوشد تا فرهنگ برای همه فراهم گردد.

«مبوراخ»